

به امید آزادی روزنامه نگاران و فعالان سیاسی زندانی

گزارش میدانی «اعتماد» از آزادی نیلوفر حامدی و الهه محمدی

گروه سیاسی| از شب‌شب که خبرهایی در برخی کانال‌های خبرنگاری درباره احتمال آزادی نیلوفر حامدی و الهه محمدی دست به دست چرخید تا عصر روز یکشنبه که رسماً خبر آزادی این دو خبرنگار منتشر شد، فضای رسانه‌ای کشورمان درگیر بیم و امیدی متناقض شد. نگرانی و بیمی از اینکه باز هم ردپای اخبار جعلی و امیدهای واهی در میان باشد و خبری از آزادی در میان نباشد و امیدی شیرین درباره اینکه شاید این بار اتفاق متفاوتی در میان باشد و خبرنگاران در بند آزاد شوند، اما با گذشت 408 روز از بازداشت این دو خبرنگار در بند، نهایتاً خبر آزادی آنها با وثیقه 10 میلیاردی رسماً رسانه‌ای شد. بلافاصله پس از انتشار این خبر، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی واکنشی فراگیر به این خبر نشان دادند و عکس و خبر آزادی نیلوفر والهه وایرال شد. بازار تبریک و شادباش حسابی گرم شد و امیدواری برای آزادی سایر زندانیان و صدور احکام آزادی وسعت گرفت. هرچند برخی تلاش کردند این آزادی را مرتبط با فضای خاص پیش‌انتخاباتی تحلیل کنند و تفاسیر عجیب از دل آن بیرون بکشند، اما برای روزنامه نگاران و اهالی رسانه، خانواده این دوستان و عموم مردم همین که نیلوفر و الهه بیرون از اوین زیر آسمان شهر باشند، کفایت می‌کرد. زنگ‌های تماس یکی‌یکی به صدا درآمدند، همکاران جدا از اینکه آزادی این دو خبرنگار را به هم تبریک می‌گفتند به دنبال راه‌هایی برای ارتباط با نیلوفر و الهه بودند. سرانجام گوشی محمدحسین آجرلو، همسر نیلوفر زنگ خورد و صدای محمدحسین از پشت گوشی شنیده شد. خوشحال و خرسند از آزادی همسرش اعلام کرد که امیدوار است روز و روزگاری از راه برسد که خبر آزادی قطعی نیلوفر را مخابره کند. تماس بعدی با شهاب میرلوحی یکی از وکلای الهه محمدی برقرار شد؛ او هم با احتیاط سخن می‌گفت و تنها اعلام کرد که این آزادی با مساعدت مسوولان قضایی و با قرار وثیقه بوده است.

میرلوحی در عین حال خبر داد که هر نوع اطلاع‌رسانی در این زمینه طی روزهای آینده اعلام می‌شود. او از روزنامه اعتماد به عنوان یکی از رسانه‌هایی که در زمینه اطلاع‌رسانی خبرنگاران در بند، تلاش بسیاری کرده بود، تشکر و اظهار امیدواری کرد که در آینده اخبار خوش‌آزادی سایر روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی شنیده شود.

آزادی الهه محمدی و نیلوفر حامدی بعد از 17 ماه

محسن آزموده | عصر یکشنبه بیست و چهارم دی‌ماه روز شادی برای روزنامه‌نگاران ایرانی بود. الهه محمدی و نیلوفر حامدی بعد از گذشت 17 ماه با قرار وثیقه از زندان اوین آزاد شدند. از شبیه شب خبرهایی به صورت درگوشی در میان برخی اصحاب رسانه دست به دست می‌شد که گویا قرار است این دو خبرنگار آزاد شوند، اما همه ساکت بودند و هیچ‌کس جرات نمی‌کرد خبر را منتشر کند. تا نزدیک ظهر روز یکشنبه، همچنان همه چشم‌انتظار بودند و برخی از روزنامه‌نگارها در شبکه‌های اجتماعی، پیام‌هایی کوتاه و مبهم منتشر می‌کردند که خبر خوشی در راه است. از حدود ظهر بالاخره معلوم شد که خبر جدی است و به راستی قرار است الهه و نیلوفر آزاد شوند. خانواده‌های این دو روزنامه‌نگار، همسر و پدر و مادر و خواهر الهه و همسر و مادر نیلوفر به همراه شمار زیادی از همکاران و روزنامه‌نگاران و دوستان این دو، از ظهر جلوی در زندان اوین جمع شدند. به گفته بستگان این دو روزنامه‌نگار، خبر تعیین وثیقه ساعت هشت شب در سامانه ثنا ابلاغ شده بود. شعبه 31 دادگاه تجدید نظر استان تهران برای هر یک از آنها مبلغ 10 میلیارد تومان وثیقه صادر کرده است. از حدود ساعت یک و نیم، حوالی در خروجی اوین پر بود از روزنامه‌نگارانی که چشم‌انتظار آزادی دوستان خود بودند. ماموران زندان برای جلوگیری از تجمع و شلوغی، جماعت را به سمت شمال بزرگراه یادگار امام هدایت کردند. همه در ماشین‌های خود نشسته بودند و بیم و امید در چشم‌ها و چهره‌های هر یک به چشم می‌خورد. خودروهای رهگذری که از مسیر یادگار جنوب به سمت چمران حرکت می‌کردند، از مواجهه با این جمعیت نگران متعجب بودند و بعضاً می‌پرسیدند که چه خبر است. بالاخره حدود ساعت 4 عصر، خبر آمد که قرار است الهه و نیلوفر بیرون بیایند، اما نه مثل همه آزادی‌ها از در کوچک بالای پله‌ها. سعید

پارسایي و محمد حسين آجورلو را صدا کردند تا داخل بروند و همسران‌شان را همراهي کنند و آنها را با ماشين‌هاي خودشان به سمت جمعيت منتظر ببرند. بالاخره ثانيه‌هاي دلهره‌آور انتظار به سر آمد و نيلوفر و الهه سوار بر ماشين همسران‌شان آمدند. من داشتم با زحمت به سمت تقاطع کوچه هشت بهشت با خيابان بهاران مي‌دويدم که ناگهان صدای فریاد و سوت را شنيدم. بر سرعت خود افزودم تا از قافله عقب نمانم. جمعيت به سمت ماشين‌ها دويدند. انبوه روزنامه‌نگاران دو دوست و همکار خود را در آغوش گرفتند. شادي در فضا موج مي‌زد. ماشين‌هاي رهگذري که از کنار جمعيت شادمان مي‌گذشتند، با تعجب مي‌پرسيدند چه خبر است و وقتي مي‌گفتم که دو روزنامه‌نگار آزاد شدند، خوشحال مي‌شدند و بوق مي‌زدند. بي‌اغراق همه الهه محمدي و نيلوفر حامدي را ميشناختند. شادي و شعف در چهره گشوده خانواده‌ها موج مي‌زد. بساط عکس گرفتن و در آغوش کشيدن داغ بود. بسياري با گوشي‌هاي‌شان فيلم مي‌گرفتند. عکاس‌ها جمعيت را به آرامش دعوت مي‌کردند. در ميان خوش و بش‌ها و عکس گرفتن‌ها، آرزوي آزادي ديگر روزنامه‌نگاران در بند به گوش مي‌رسيد. حضور پرشمار روزنامه‌نگاران و خبرنگاران از روزنامه‌هاي شرق، هم‌ميهن، «اعتماد» و ساير رسانه‌ها براي دو روزنامه‌نگار آزاد شده و براي خانواده‌هاي آنها قوت قلب بود. با آرزوي آنکه هيچ روزنامه‌نگاري در هيچ کجاي دنيا به دليل کار روزنامه‌نگاري در زندان نباشد. با اميد.

منبع: روزنامه اعتماد 25 دی ماه 1402 خورشیدی